



امام حسین (علیه السلام) الگوی زندگی

سید جواد حسینی

۷. صلابت و قاطعیت. و اکنون در ادامه آن، به برخی اوصاف دیگر آن حضرت می پردازیم.

۸. قدردانی و ستایش

در قرآن کریم، واژه «شکر» که به معنای سپاس‌گزاری و قدردانی است، به صورتهای مختلف بیش از ۷۷ بار به کار رفته است. گاه می فرماید: ﴿لَشَكْرِكُمْ أَزِيدُنَاكُمْ﴾؛^۱ «اگر سپاس‌گزاری کردید، من [نیز بر نعمتها] می افزایم.» و گاه دستور می دهد که از خدا، و والدین خود سپاس‌گزاری و قدردانی نمایید

عالم همه قطره‌اند و دریاست حسین
مردم همه بنده‌اند و مولاست حسین
ترسم که شفاعت کند از قاتل خویش
از بس که کرم دارد و آقااست حسین

*** پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ***
در شماره ۵۱ مجله «مبلغان»، دو مقاله تحت عنوان «امام حسین (علیه السلام) الگوی زندگی» به چاپ رسید که مباحث آن بر محور برخی اوصاف امام حسین (علیه السلام) تنظیم شده بود و عبارت بودند از: ۱. خدامحوری و اخلاص؛ ۲. صبر و بردباری؛ ۳. خدمت‌گزاری؛ ۴. شجاعت؛ ۵. عبادت و عرفان؛ ۶. پاسداری از ارزشهای الهی؛

۱. ابراهیم ۷/

﴿أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾؛^۱ «از من و پدر و مادرت سپاس‌گزاری کن!» و در آیاتی هم دستور می‌دهد که از نعمتهای خدا قدردانی کنید ﴿وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ﴾؛^۲ «و نعمتهای خدا را سپاس‌گزاری نمایید!» یکی از بارزترین مصداقهای تشکر از خداوند و نعمتهای او، قدردانی از بندگان خداست؛ کسانی که نسبت به انسان خدمت و احسانی انجام می‌دهند و یا در مسیر حق و هدایت گام برمی‌دارند. لذا امام زین العابدین علیه السلام فرمود: ﴿اشْكُرْ كُمْ لِلَّهِ اشْكُرْ كُمْ لِلنَّاسِ﴾؛^۳ سپاس‌گزارترین شما برای خدا [کسی است که] سپاس‌گزارترین شما برای مردم است.»

و امام هشتم علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛^۴ کسی که نعمت دهنده از مردم را سپاس‌گزاری نکند خدای عزیز و جلیل را سپاس‌گزار می‌نکرده است.»
و امام سجاد علیه السلام فرمود: «وَأَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرِوفِ عَلَيْكَ فَأَنْ تَشْكُرَهُ وَتَذْكُرَ مَعْرِوفَهُ؛^۵ حق کسی که کار نیک انجام داده بسر تسو این است که از او سپاس‌گزار می‌نمایی، و کار نیک او را

یادآور شوی.»

امام حسین علیه السلام و قدردانی از

دیگران

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «شُكْرُكَ لِنِعْمَةٍ سَالِفَةٍ يَفْتَضِي نِعْمَةً آتِيَةً؛^۶ سپاس‌گزار می‌نعمتهای گذشته، نعمتهای آینده و زودرس را به دنبال دارد.» او در سخت‌ترین لحظه‌های زندگی حتی در اوج جنگ و جهاد روز عاشورا، قدردانی و سپاس‌گزار می‌نمود، بندگان خدا را که به او خدمتی نمودند، و در مسیر او گامی برداشتند، فراموش نکرد.

ابتدا در شب عاشورا به صورت کلی از تمامی بستگان و یارانش با این کلمات زیبا تشکر و قدردانی کرد: «بارخدایا! من تو را سپاس می‌گویم که ما را به نبوت و رسالت گرامی داشتی

۱. لقمان / ۱۴.

۲. نحل / ۱۱۴.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۹۹، ح ۳۰؛ ر.ک: منتخب میزان الحکمة، ص ۲۷۸.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۴، ح ۲.

۵. الخصال، شیخ صدوق، ص ۵۶۸؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۲۷۸.

۶. نزهة الناظر و تنبيه خاطر، ص ۸۰، ح ۳.

اینجا بود که همسرش عمود خیمه را گرفت و به یاری شوهر شتافت و گفت: شوهرم! از خاندان پیامبر دفاع کن! من به خیمه‌ها باز نمی‌گردم تا با تو کشته شوم.

حضرت ابا عبدالله علیه السلام او را فراخواند و از او و شوهرش تشکر و قدردانی کرد، آن‌گاه فرمود: «جَزَيْتُمْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ خَيْرٍ أَوْضَلَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا...»^۱ بعد از حمد و ستایش، من یارانی با وفاتر و نیکوتر از یاران خودم، و خاندانی نیکوتر و مهربان‌تر از خاندان خودم نمی‌شناسم. خداوند از جانب من به شما پاداش نسیک عنایت فرماید!

و در طول روز عاشورا از تک تک یاران با نام و نشان قدردانی کرد مثل:

۱. خانواده عبدالله عمیر^۲

یکی از شهدای سرفراز عاشورا «عبدالله بن عمیر کلبی» بود. او دارای دستان بلند و بازوان تنومند بود.

۲. ام‌وهب

عبدالله عمیر و مادرش «ام‌وهب» نصرانی بودند که به دست امام حسین علیه السلام مسلمان شدند. این جوان وقتی با اجازه امام حسین علیه السلام پا به

وقتی «یسار» غلام زیاد بن ابی سفیان و «سالم» غلام عبیدالله بن زیاد به میدان آمدند و مبارز طلبیدند، «حبیب بن مظاهر» و «بُرَیْر» برخاستند که جواب آنها را بدهند، امام مانع شد تا اینکه عبدالله بن عمیر اجازه خواست و یک‌تنه بر آن دو نفر یورش برد و آن دو را به هلاکت رساند و سپس خود را به قلب سپاه عمر سعد زد، و رجز حماسی می‌خواند.

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۱۵؛ عوالم بحرانی،

ج ۱۷، ص ۲۴۳.

۲. قابل ذکر است در ترجمه احادیث و برخی

مطالب از «فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام»

مرحوم محمد دشتی، بهره برده‌ایم.

۳. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۹۵.

ام وهب و فرزند او به شمار می رود.

۳. حنظله بن سعد

در گرما گرم جنگ در روز عاشورا، حنظله در کنار امام حسین علیه السلام ایستاد و بر سر کوفیان فریاد زد و گفت: «شما را از عذاب الهی می ترسانم، شما را از محاکمه روز قیامت می ترسانم. شما را از عذابی که بر نمود و عاد نازل شد می ترسانم.»

امام از جملات بیدارگر او تشکر کرد و فرمود: «يَا أَيُّهَا سَعْدُ! رَحِمَكَ اللَّهُ! إِنَّهُمْ قَدِ اسْتَوْجَبُوا الْعَذَابَ حِينَ رَدُّوا عَلَيْكَ مَا دَعَوْتَهُمْ إِلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ وَنَهَضُوا إِلَيْكَ لِيَسْتَيْحُواكَ وَأَصْحَابِكَ فَكَيْفَ بِهِمُ الْآنَ وَقَدْ قَتَلُوا إِخْوَانَكَ الصَّالِحِينَ رُحَّ إِلَى خَيْرٍ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَاللَّيْلَى لَا يَبْلَى!»^۱ ای پسر سعد! خدا رحمت کند! این مردم آن گاه که به سوی حق دعوت کردی و پاسخ مثبت ندادند و به قتل تو و

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۷؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۶۱؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۰۴؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۲، ص ۲۲؛ المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۱۹.

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲۹؛ مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ج ۲، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۳.

میدان گذاشت، ۲۴ نفر از شجاعان سپاه عمر سعد را کشت و ۱۲ نفر از سواران را زخمی کرد.

لشکریان عمر سعد، اطراف او را گرفته و اسیرش کرده، نزد عمر سعد بردند. عمر سعد با شگفتی گفت: «چقدر شجاعت و قدرت تو زیاد است.» سپس او را شهید کردند و سر بریده او را به طرف خیمه زنها پرتاب کردند. مادرش سر را به طرف لشکریان یزید انداخت و عمود خیمه را گرفت و به لشکریان حمله نمود و ۲ تن از سربازان دشمن را کشت. در این لحظات حساس، امام دخالت کرد و با زبان تشکر و قدردانی فرمود: «إِزْجِعِي يَا أُمَّ وَهْبٍ، أَنْتِ وَأَبْنُكَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِنَّ الْجِهَادَ مَرْفُوعٌ عَنِ النِّسَاءِ لَا يَقْطَعُ اللَّهُ رِجَالَهُنَّ يَا أُمَّ وَهْبٍ!»^۱ برگرد ای ام وهب! تو و پسرت با پیامبر [در بهشت] هستید؛ جهاد از زنان برداشته شده است. ای مادر وهب! خداوند امید تو را قطع نکند.»

جملات فوق که از آینده درخشان ام وهب و فرزندش خبر می دهد، خود برترین قدردانی از زحمات و تلاش

یارانت آماده گردیدند، مستوجب عذاب بودند. پس حال که خون برادران صالح تو را ریختند، چگونه خواهند بود؟ برو به سوی آنچه که خیر است از دنیا و آنچه که در آن است و به سوی ملک و آقایی [آخرت] که کهنه نمی شود.»

۴. ابی الشعثا

یزید بن زیاد کنندی معروف به «ابی الشعثا» تیرانداز ماهر و باتجربه‌ای بود.

روز عاشورا در کنار امام حسین علیه السلام ایستاد و دفاع می کرد، صد عدد تیر داشت، همه آنها را جز پنج عدد به هدف زد. هر بار که تیراندازی می کرد، رجز می خواند. و امام حسین علیه السلام در دعا برای او چنین فرمود: «اللَّهُمَّ سَدِّدْ رَمِيَّتَهُ، وَاجْعَلْ ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ؛^۱ خدایا تیراندازی او را محکم و قوی گردان! و اجر و مزدش را بهشت [برین] قرار بده!»

۵. جون، غلام اباذر

شخصی به نام «جون» که در گذشته غلام اباذر بود، همراه امام حسین علیه السلام به کربلا آمد. لحظه‌ای که

آمد از امام حسین علیه السلام اجازه میدان بگیرد، حضرت به او فرمود: «ای جون! من بیعت را از تو برداشتم؛ زیرا تو به امید عافیت و آسایش تا اینجا به همراه ما آمده‌ای، در راه ما خود را به مصیبت مبتلا مگردان!»^۲

جون در جواب امام گفت: نه هرگز، من در سلامت و امنیت با شما بودم، و از سفره شما بهره‌مند شدم. حال که لحظه‌های خطر است، شما را رها کنم! هرگز دست از شما برنمی دارم. اگر چه رنگ پوست من سیاه است، عرقم بدبو، و نسیم غیر معروف، اما شما را رها نمی کنم تا خون ما با خون شما به هم آمیزد. بنابراین، حضرت اجازه داد و بعد از شهادت او، در کنار جنازه اش چنین دعا فرمود: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَطَيِّبْ رِيحَهُ وَاخْشِرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ، وَعَسِّرْ بَسِيئَتَهُ وَبَيِّنْ مَحْمَلِدِ وَاوَالِ

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰، عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۷۲؛ تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۵۵؛ الامالی، شیخ صدوق، مجلس ۳۰؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۲، ص ۲۲.
۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۳؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۰۵؛ کتاب لهوف ابن طاووس، ص ۴۷.

عرض کرد: ای پسر پیغمبر! صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آیا من به عهد خود وفا کردم؟

حضرت در جواب او با جملات تقدیرآمیز فرمود: «نَعَمْ أَنْتَ أَمَامِي فِي الْجَنَّةِ فَأَقْرَأْ رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي السَّلَام»؛^۴ تو پیشاپیش من در بهشت هستی. پس سلام مرا به رسول خدا برسان!»

۸. حبیب بن مظاهر

حضرت در مقابل زحمات و فداکاریهای حبیب فرمود: «عِنْدَ اللَّهِ أَحْسِبُ نَفْسِي وَحُمَاةَ أَصْحَابِي لِيَلَّهُ دُرُّكَ يَا حَبِيبُ لَقَدْ كُنْتُ فَاضِلًّا تَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ»^۵ خود و یاران حامی خود را به حساب خدا می‌گذارم. آفرین بر تو ای حبیب! تو مرد بافضیلتی بودی که در یک شب قرآن را ختم می‌کردی!»

۹. دعا و نیایش

از بهترین و ارزشمندترین

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۱ خدایا! چهره‌اش را سفید، و بدنش را خوشبو کن و با نیکان محشورش گردان! و میان او و محمد و آتش آشنایی برقرار فرما!»

۶. مسلم بن عوسجه

وقتی مسلم بن عوسجه به میدان رفت و بیکار سختی کرد، عمرو بن حجاج و سربازان تحت امرش او را محاصره کرده، با شمشیرها و نیزه‌ها بدنش را هدف قرار دادند. مسلم بر زمین افتاد. حضرت ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام فوراً خود را به او رساند، در حالی که هنوز زنده بود و به او فرمود: «رَحِمَكَ وَتُبَّكَ يَا مُسْلِمُ بْنُ عَوْسَجَةَ»^۲ «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»^۳؛ رحمت خدا بر تو باد ای مسلم بن عوسجه! بعضی از آنان به پیمان خود [شهادت] عمل کردند و بعضی

۷. عمرو بن قرظہ

عمرو در روز عاشورا پیش روی امام ایستاد و هر تیری که به سوی آن حضرت می‌آمد، با بدن آن را می‌گرفت و هر شمشیری را از امام دفع می‌کرد و تا زنده بود، نگذاشت آسیبی به آن حضرت برسد. وقتی به زمین افتاد،

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲؛ عوالم بحرانی، ج

۱۷، ص ۲۶۵؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۰۵؛

فرهنگ سخنان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۵۱۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰؛ ارشاد، مفید، ص

۲۳۷.

۳. احزاب / ۲۳.

۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲؛ اعیان الشیعة، ج

۱، ص ۶۰۵.

۵. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲۷ و ج ۷، ص ۳۴۹.

فکری و هم در عمل به شدت پایبند نیایش بوده است.

آن حضرت فرمود: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدَّعَاوِ»^۳ عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد.

همچنین فرمود: «أَمَّا إِنَّهُمْ لَوَكَائُوا دَعَاؤَ اللَّهِ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ بِصِدْقِ مِثْنِ نِسْيَاتِهِمْ وَصِحَّةِ اِغْتِقَادِهِمْ مِنْ قُلُوبِهِمْ أَنْ يَفْصِمَهُمْ، حَتَّى لَا يُعَايَنَدُوهُ بَعْدَ مُشَاهَدَةِ تِلْكَ الْمُعْجَزَاتِ الْبَاهِرَاتِ لَفَعَلْ ذَلِكَ بِجُودِهِ وَكَرَمِهِ»^۴ اگر مردم به هنگام دعا کردن، خدا را با نام محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک او، با نیت درست، و با اعتقاد قلبی صحیحی بخوانند، که آنها را مصون دارد تا پیامبر را پس از مشاهده آن همه معجزات محکم و آشکار نافرمانی نکنند، خداوند با جود و کرم خود خواسته‌های آنان را می‌دهد.

و گاه برای راهنمایی و تشویق

حالات ارتباط انسان با خداوند، لحظه دعا و نیایش است. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ لِمَا يَفْعَلُونَ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۱ بگو: پروردگار من برای شما ارزش قائل نیست، اگر دعای شما نباشد.

به همین جهت صریحاً دستور به دعا و نیایش داده، و اجابت دعاها را نیز تضمین نموده است؛ آنجا که فرمود: «وَ إِذَا سَأَلْتَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۲ [ای پیامبر!] هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند [بگو: من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم. پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند.]

نکته در خور دقت در آیه فوق این است که خداوند هفت مرتبه به ذات پاک خود اشاره کرده و نهایت پیوستگی و قرب و ارتباط و محبت خود را نسبت به نیایشگران مجسم ساخته است.

حضرت اباعبدالله علیه السلام هم از نظر

۱. فرقان / ۷۷.

۲. بقره / ۱۷۶.

۳. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۴۹۴، ح ۲۳؛ امالی شیخ مفید، ص ۸۸، ح ۱۳۶.

۴. تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۲۱۶، ح ۱۳۴ و

۱۳۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۹؛

بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۹۰، ح ۴۸.

بیشتر بندگان خدا به معرفتی محللهای استجاب دعا می پرداخت، از جمله می فرمود: «الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ لَمْ يَمْنَعَهُ مِنْهُ فَتَحَهُ، وَإِنَّ مَا بَيْنَ هَذَيْنِ الرُّكْنَيْنِ (الْأَسْوَدِ وَالْيَمَانِيِّ) مَلَكَ يُدْعَى هِجِيرَ، يُؤَمِّنُ عَلَيَّ دُعَاءَ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ رکن یمانی، دری از درهای بهشت است. از روزی که این در را به روی بندگان باز کرد، آن را نبسته است و همانا بین حجرالاسود و رکن یمانی فرشته‌ای است به نام «هجیر» که بر دعای مؤمنین آمین می گوید.»

اما در بُعد عملی، دعا‌های فراوانی از حضرت به یادگار مانده است که معروف‌ترین آنها دعای عرفه است. در ادامه به نمونه‌هایی از دعای حضرت (به غیر از دعای عرفه) اشاره می شود.

الف. دعای جامع

دعای جامع، یکی از دعا‌های آن حضرت است که در آن، انواع ارزشهای اخلاقی - معنوی مهم را از خداوند بزرگ درخواست می کند. متن دعا چنین است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَىٰ وَأَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَىٰ، وَمُنَاصِحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ، وَعِزْمَ أَهْلِ الصَّبْرِ وَحَدَرَ أَهْلِ

الْحَشْيَةِ، وَطَلَبَ أَهْلِ الْعِلْمِ، وَزِينَةَ أَهْلِ التَّوَرَعِ، وَخَوْفَ أَهْلِ الْجَزَعِ، حَتَّىٰ أَخَافَكَ؛ خدایا! من از تو توفیق هدایت شدگان، و رفتار پرهیزکاران، و نصیحت کردن توبه کنندگان، و عزم و اراده صابران، و ترس اهل خشیت [الهی]، و تلاش اهل علم، و زینت پرهیزکنندگان، و ترس جنع کنندگان را درخواست دارم تا از تو خوف داشته باشم!»

سپس می فرماید: «اللَّهُمَّ مَخَافَةَ تَحْجُزْنِي عَنْ مُعَاصِيكَ وَحَتَّىٰ أَعْمَلَ بِطَاعَتِكَ عَمَلًا اسْتَحِقُّ بِهِ كَرَامَتَكَ، وَحَتَّىٰ أَنَاصِحَكَ فِي التَّوْبَةِ خَوْفًا لَكَ، وَحَتَّىٰ أُخْلِصَ لَكَ فِي النَّصِيحَةِ حُبًّا لَكَ، وَحَتَّىٰ أَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ حُسْنًا ظَنُّ بِكَ، سُبْحَانَ خَلْقِي التُّورِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»^۲ خدایا! ترسی را می خواهم که مرا از ارتکاب نافرمانیهایت بازدارد، و وادار به اطاعتم کند؛ عملی که مستحق کرامت تو گردم، و پندپذیر در توبه به خاطر ترس تو باشم، در خیرخواهی برای تو

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۵۴، ح ۱۱؛ مستدرک

الوسائل، ج ۹، ص ۳۹۱، ح ۱۱۱۵۱.

۲. مهج الدعوات، ص ۱۵۷؛ بحارالانوار، ج ۹۴،

ص ۱۹۱، ح ۵.

خالص گردهم به جهت محبت تو. و در تمام کارها به تو توکل کنم به خاطر خوشبین بودن به تو. منزله است آفریننده نور، و تنزیه و ستایش برای خدای بزرگ است.»

راستی که عظمت هر انسان را می توان از خواسته های او فهمید. در دعای فوق عظمت خواسته ها، نشانگر عظمت و همت بلند اباعبدالله علیه السلام می باشد.

ب. دعای حضرت در کعبه

«إِلَهِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِرًا،
وَإِيْتَأْتِنِي فَلَمْ تَجِدْنِي ضَائِرًا، فَلَا أَنْتَ سَأَلْتِ
النَّعْمَةَ بِتُرْكِ الشُّكْرِ، وَلَا أَنْتَ أَدَمْتَ الشَّدَّةَ
بِتُرْكِ الصَّبْرِ إِلَهِي مَا يَكُونُ مِنَ الْكَرِيمِ إِلَّا
الْكَرَمُ؛^۱ پروردگارا! مرا نعمت دادی، ولی مرا شاکر نیافتی، و آزمایشم کردی، پس بردبارم ندیدی، پس با ترک شکر، نعمت را [از من] سلب نکردی و با نبود بردباری، بر شدت گرفتاری نیفزودی. خدایا! از بزرگوار جز بزرگواری نیاید.»

ج. دعای حضرت در سجده

شریح می گوید: وارد مسجد مدینه شدم، دیدم امام حسین علیه السلام

صورت روی خاک گذاشته و این دعا را در سجده می خواند: «سَيِّدِي وَمَوْلَايَ
الْمَقَامِيعِ الْحَدِيدِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي، أَمْ لِي شَرْبِ
الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أُنْعَائِي، إِلَهِي لَنْ طَابَتْ لِي
بِدُنُوِي لِطَابَتْ لَكَ بِكَرَمِكَ وَلَيْتَنِي حَبَسْتَنِي مَعَ
الْخَاطِئِينَ لِأَخْبِرَهُمْ بِحُبِّي لَكَ، سَيِّدِي إِنَّ
طَاعَتَكَ لَا تَنْفَعُكَ وَمَعْصِيَتِي لَا تَضُرُّكَ، فَهَبْ
لِي مَا لَا يَنْفَعُكَ، وَاعْفُزْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ فَإِنَّكَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛^۲ ای آقا و مولایم! آیا برای گرزهای آتشین، اعضايم را خلق کرده ای؟ یا اندام درونی مرا برای نوشیدن آبهای گرم جهنم آفریده ای؟ خدایا! اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی، من تو را به کرمت می خوانم. و اگر مرا با خطاکاران حبس کنی، دوستی خود را نسبت به تو به اطلاع آنان می رسانم.

آقای من! بندگی ات، تو را بهره ای نرساند، و گناهم زبانی متوجه تو نساخت. پس آنچه را سودت نمی دهد،

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۹۷، ح ۱۳؛ و با اندکی تغییر در فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۱۸؛ احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۵.
۲. صحیفة الحسین، ص ۶۵؛ احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۴۲۴؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ۳۱۹.

به من عنایت کن! و آنچه را به تو ضرر نمی‌رساند، به من ببخشای! که به راستی تو مهربان‌ترین مهربانانی.»

د. دعا در قبرستان

هرگاه امام حسین علیه السلام وارد قبرستان می‌شد، به همراهان دستور می‌داد این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ الْفَاتِيَةِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، وَالْعِظَامِ النَّخِرَةِ الَّتِي حَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ بِكَ مُؤَمِّتَةٌ، اذْخُلْ عَلَيْهِمْ زَوْحًا مِنْكَ وَسَلَامًا مِثِّي؛^۱ خدایا! ای پروردگار این روحهای فانی و اجساد پوسیده و استخوانهای نرم شده که با ایمان به تو از دنیا رفته‌اند، بر آنان رحمت خود و سلام مرا وارد کن!»

ه. دعا برای شهداء

بعد از شهادت پیک حضرت (قیس بن مسهر) توسط حصین بن تمیم؛ مأمور ابن زیاد، امام حسین علیه السلام فرمود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا وَلَهُمُ الْجَنَّةَ نُزُلًا، وَاجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِكَ وَرَغَائِبِ مَذْخُورِ ثَوَابِكَ؛^۲ خدایا! بهشت را برای ما و آنان وسیله پذیرایی قرار بده! و بین ما و آنان در پایگاه رحمت خود و مرغوب‌ترین ثوابهای ذخیره‌شده‌ات،

جمع کن!»

و. سفارش به دعای جوشن کبیر

امام حسین علیه السلام فرمود: «پدرم امیر مؤمنان علی علیه السلام مرا نسبت به دعای جوشن کبیر سفارش فراوان و مهمی کرد که آن را حفظ کرده، خوب نگاه‌داری کنم، و به من فرمود: ای پسر! این دعا را بر روی کفن من بنویس! و من به سفارش پدر عمل کردم.»^۳

ز. دعا در صبح عاشورا

آن حضرت در بخشی از آخرین دعای خود در روز عاشورا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ نَقَيْتَ فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ تَنْزِلُ بِي بَقَّةً وَ عِدَّةً، كَمْ مِنْ هَمٍّ يَضَعُفُ فِيهِ الْقَوَادُ وَ تَقُلُ فِيهِ الْحَبْلَةُ وَ يَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَ يَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ، أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ؛^۴ خدایا! تو در هر غم و اندوهی پناهگاه من و در

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۰۰.

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۸؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۵۳.

۳. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۹۷ و ج ۸۱، ص ۳۳۲.

۴. همان، ج ۴۵، ص ۴؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۴۸.

پروردگارا! مرا نعمت دادی،
ولی مرا شاگرد نیافتی، و
آزمایشم کردی، پس
بردمبارم ندیدی، پس با
ترک شکر، نعمت را [از من]
سلب نکردی و با نبود
بردمباری، بر شدت گرفتاری
نیفزودی.

هر سختی و شدتی مایه امید من هستی
و در هر حادثه‌ای که بر ایسم اتفاق
می‌افتد، سلاح و تکیه گاه منی، آن‌گاه که
غم‌هایی [کمر شکن بر من فرو ریخته
است] که دلها در برابرش آب
می‌شوند، و راه هر چاره در مقابلش
مسدود می‌گردد و در آنها دوستان [از
من] دوری می‌جویند و دشمنان زبان
به شتمات می‌گشایند. [در چنین
لحظاتی] آنها را به سوی تو آورده، تنها
به تو شکایت می‌کنم...»

۱۰. زهد و دنیاگریزی

زهد بی میلی طبیعی نسبت به امور
دنیوی نیست، بلکه بی میلی روحی یا
عقلی یا قلبی نسبت به اشیائی است که
مورد تمایل و رغبت طبع و نفس است،
با این هدف که مقصود و نهایت آرزو و
کمال مطلوب که مافوق مشتهیات
نفسانی دنیوی است، حاصل شود؛
خواه آن امور از مشتهیات نفسانی
اخروی باشد و یا اساساً از نوع
مشتهیات نفسانی نباشد، بلکه از نوع
فضائل اخلاقی باشد، از قبیل: عزت،
شرافت، کرامت، آزادی، و یا از نوع
معارف معنوی و الهی باشد، مانند: ذکر

خداوند، محبت الهی، و تقرب به ذات
اقدس خداوندی.

پس زاهد یعنی کسی که توجهش
از مادیات به عنوان کمال مطلوب و
بالاترین خواسته، عبور کرده، متوجه
مسائل اخروی و فضائل اخلاقی و
معنوی شده است. بی‌رغبتی زاهد،
بی‌رغبتی در ناحیه اندیشه و آمال و
ایده و آرزوست، نه بی‌رغبتی در ناحیه
طبیعت.^۱

۱. ر.ک: سیری در نهج البلاغه، مرتضی
مطهری، ص ۲۱۱.

امام حسین علیه السلام هم از نظر اندیشه، در بالاترین سطح زهد قرار داشت، و هم از نظر رفتاری.

دنیا در دیدگاه حضرت

اساس زهد را بی میلی به دنیا تشکیل می دهد، و بی میلی به دنیا آن گاه صورت صحیحی می یابد که اندیشه و دید انسان درباره دنیا درست و واقعی باشد. حضرت اباعبدالله علیه السلام دنیا را این گونه معرفی می کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ مُتَصَرِّفَةً بِأَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ، فَالْمَغْرُورُ مَنْ غَرَّرَهُ وَالشَّقِيُّ مَنْ قَتَنَتَهُ، فَلَا تَغْرَبَنَّكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا وَ تُخَيِّبُ طَمَعَ مَنْ طَمَعَ فِيهَا؛^۱ سپاس خدایی را که دنیا را آفرید و آن را سرای فناپذیر و رو به زوال قرار داد؛ دنیایی که صاحبانش را از حالی به حالی دگرگون می کند. پس خودباخته، آن کسی است که دنیا او را بفریبد و تیره بخت و شقاوت مند کسی است که دنیا او را شگفت زده سازد.

[ای مردم!] دنیا شما را نفریبد؛

زیرا دنیا امید هر کس را که بر آن تکیه کند، به یأس تبدیل می کند و طمع هر کس را که در آن طمع ورزد، بی نتیجه

می گذارد.»

در جملات فوق، دنیا فناپذیر دانسته شده و آنچه از آن به عنوان مذموم یاد شده، دل بستگی به دنیاست.

سید الشهداء علیه السلام در سخن دیگر، علاوه بر ناپایداری دنیا، آن را وسیله امتحان و آزمایش افراد دانسته، می فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مِنَ الدُّنْيَا عَلَى حَذَرٍ، فَإِنَّ الدُّنْيَا لَوَيْبَتْ لِأَحَدٍ أَوْ بَقِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ، كَانَتْ الْآبِيَاءُ أَحَقَّ بِالْبَقَاءِ، وَأَوْلَى بِالرَّضَى وَأَرْضَى بِالْقَضَاءِ. غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ وَ خَلَقَ أَهْلَهَا لِلْفَنَاءِ فَجَدِّدْهَا بِإِلَهِ، وَ نَعِمِمْهَا مُمْضِحِلٌ وَسُرُورٌهَا مُكْفَهَرٌ، وَ الْمَنْزِلُ بُلْغَةٌ وَ الدَّارُ قَلْعَةٌ فَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛^۲ بندگان خدا! از خدا بترسید و از دنیا بر حذر باشید که اگر بنا بود دنیا برای کسی باقی بماند و یا یک فرد [برای همیشه] در دنیا بماند، پیامبران برای بقاء سزاوارتر و جلب خشنودی آنان بهتر و چنین حکمی خوش آیندتر بود.

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۴۹.

۲. تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام حسین علیه السلام، ص ۲۱۵.

دَارَكَ، وَعَمَّرَتْ دَارَ غَنِيْرِكَ، عَمَّرَكَ مَنْ فِي الْأَرْضِ، وَمَقَّتَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ؛^۱ خانه [آخرت] خویش را ویران کردی، و خانه بیگانه را آباد ساختی. اهل زمین تو را گرمی خواهند داشت و اهل آسمان دشمنت خواهند بود.»

و همچنین نقل شده که امام حسین علیه السلام روزی در کوچه‌های مدینه قدم می‌زد که خانه باشکوه یکی از دنیاپرستان و زهدستیزان را دید و اظهار داشت: «رَفَعَ الطَّيْنُ وَوَضَعَ الدَّيْنَ»^۲ [صاحب این خانه] گیل را بر هم انباشت و [دیوارها را بالا برد]، ولی دین را پست کرد.»

زهدی ولایت

نکته دیگری که درباره زهد در اندیشه ژرف و عمیق حسین بن علی علیه السلام به آن توجه شده و برای آن نقش محوری و کلیدی قائل شده است، پذیرش ولایت و امامت ائمه اطهار علیهم السلام مخصوصاً امیرمؤمنان علیه السلام

جز آنکه خداوند دنیا را وسیله آزمایش، و مردم را برای فانی شدن آفرید. پس تازده‌هایش کهنه و نعمتهایش زائل و شادی آن مبدل به غم می‌شود، و خانه و منزلگهی است زودگذر و کوتاه مدت. پس [برای آخرت] توشه‌ای بگیرید که بهترین توشه تقواست.»

برخورد با زهدگریزان و دنیازدگان

در اندیشه بلند حضرت اباعبدالله علیه السلام تنها زهد و دنیاگریزی، در زاهد شدن کافی نیست، بلکه با دنیازدگان و زهدستیزان نیز باید برخورد کرد و سکوت در مقابل آنها روا نیست. و این مسئولیت، امروزه دوچندان برای کسانی مطرح است که داعیه هدایت جامعه را به عهده دارند، و امام حسین علیه السلام را در این کار الگوی خویش می‌دانند.

یکی از سرمایه‌داران مدینه، خانه بسیار مجللی ساخت و از امام حسین علیه السلام دعوت کرد تا از نزدیک خانه او را تماشا کرده، برای او دعا کند. وقتی امام علیه السلام وارد خانه بسیار وسیع و اشرافی او شد، اظهار داشت: «أَخْرَبْتُ

۱. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲۷۰؛ مستدرک

الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۷، ج ۴، ص ۴۰۱۳؛ فرهنگ

سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۲۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۷.

نه تنها نماز بی ولایت
بی نمازی است، و حج و
زکات، بی امامت غیر مقبول و
...، بلکه زهد بی دوستی و
محبت علی علیه السلام بی زهدی
است و در نوع خود یک
حقه بازی است.

شعله آتش در آن زبانه کشد و باد
وزیدن گیرد تا همه آن علفها را فراگیرد
و هیچ چیزی از آن باقی نماند.»
این جملات می‌رساند که نه تنها
نماز بی ولایت بی نمازی است، و حج و
زکات، بی امامت غیر مقبول و ...، بلکه زهد
بی دوستی و محبت علی علیه السلام بی زهدی
است و در نوع خود یک حقه بازی است.

زهد واقعی و ترک دنیا این است
که در کلام و مرام امام حسین علیه السلام دیده
می‌شود، نه آنچه غارنشینان، خرقة پوشان،
جامعه گریزان، و گوشه نشینان دارند.

تَرَكْتُ الْخَلْقَ طَرَأَ فِي هَوَاكُمَا
وَأَيْتَمَّتْ الْعِيَالُ لِكِنِّي أَرَاكُمَا
وَأَنْوَقَطَّتَنِي فِي الْحَبِّ إِيَّاهُ

«مردم را تماماً به هوای تو ترک گفتم،
و [راضی شدم] فرزندانم یتیم گردند تا تو
را ملاقات کنم.

اگر مراد راه عشق [خود] قطعه
قطعه کنی، دلم [ذره‌ای] به سوی غیر تو
نمایل پیدا نمی‌کند.»

می‌باشد. آن حضرت فرمود: «إِنَّ دَفْعَ
الرَّاهِدِ الْعَابِدِ لِفَضْلِ عَلِيٍّ عَلَى الْخَلْقِ كُلِّهِمْ بَعْدَ
النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْصِيرٌ كَشَعْلَةِ نَارٍ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ،
وَتَصِيرُ سَائِرُ أَعْمَالِ الدَّافِعِ لِفَضْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
كَالْحُلْفَاءِ وَإِنْ امْتَلَأَتْ مِنْهُ الصَّحَارِيُّ
وَاشْتَعَلَتْ فِيهَا تِلْكَ النَّارُ وَتَخَشَّاهَا تِلْكَ الرَّيْحُ
حَتَّى تَأْتِي عَلَيْهَا كُلُّهَا فَلَا تَبْقَى لَهَا بَاقِيَةٌ؛»^۱ به
راستی زاهد عابدی که برتری و
فضیلت علی علیه السلام بر تمامی انسانها پس
از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دفع می‌کند، [دفع
کردن او] چونان شعله آتشی در روز
طوفانی می‌شود [که هستی او را به
آتش کشیده] و بقیه اعمال او را [هر
چند فراوان باشد] مانند علفهای
خشک بیابان می‌گرداند، هرچند
سراسر بیابان را پر کرده باشد. آن‌گاه

۱. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۸۹ ح

۴۷؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۱۱.

۲. سوگنامه آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ص ۳۶۵.